

## آیین‌ها و رسوم عزاداری در ورس

سید محمد رضا عالمی<sup>\*</sup>

### چکیده:

وَرَس که در سال‌های انقلاب مردم مناطق مرکزی و شیعیان افغانستان نقش مهم و مرکزی را برای ایشان ایفا کرد، دارای آیین‌ها و رسوم خاص خود در عزاداری ها می‌باشد که در سه گروه قابل تقسیم است: عزاداری محرم و صفر، مراسم های درگذشت و ختم افراد و جمعه‌خوانی‌ها.

این نوشتار برآن است تا با استفاده از مصاحبه با افراد محلی و همچنین روحانیونی که در مراسم‌های این مناطق ایفای نقش کرده و اطلاعات مفید و سودمندی در این باره دارند و همچنین اطلاعات میدانی، توصیفی درست در مورد هر کدام از این بخش‌ها به دست دهد.

### واژه‌های کلیدی: آیین‌ها و رسوم، عزاداری، ورس

---

<sup>\*</sup> دانش‌پژوه دکتری تاریخ تمدن اسلامی، جامعه المصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ العالمیه، مجتمع آموزش عالی امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ قم.

## درآمد:

والسوالی<sup>۱</sup> ورس در قسمت جنوب غربی ولایت باستانی بامیان قرار دارد، این ولسوالی قبل از انقلاب مردم مناطق مرکزی افغانستان در سال ۱۳۵۸ شمسی در مقابل حکومت کمونیستی و تشکیل «شورای اتفاق اسلامی افغانستان» به مرکزیت ورس، در دفاتر مالیه و مالیاتی به عنوان ۱۰۰۰ خانوار دفتری محسوب می‌شد و بر اساس آن مالیات گرفته می‌شد.<sup>۲</sup> از این مقدار خانوار ۴۰۰ خانوار دفتری مربوط به طوایف «ینغور» و ۶۰۰ خانوار دفتری مربوط به طوایف «چه غلام» بود.<sup>۳</sup> ولسوالی ورس پس از تشکیل «شورای اتفاق اسلامی افغانستان» به رهبری آیت‌الله سید علی بهشتی(ره) به عنوان مرکز مناطق مرکزی و محل استقرار شورای اتفاق مقرر گردید و به مدت چندین سال حکومت مناطق مرکزی تحت نظر این ولسوالی اداره می‌شد. برخی مقدار نفوس و جمعیت تحت حکومت شورای اتفاق را در دوران اوج به هفت میلیون نفر می‌رسانند. در این دوران شورای اتفاق به مرکزیت ورس، بر ولایت بامیان، سمنگان و قسمتهایی از ولایات غزنی (شهرستان، جاغوری، ناهور) وردک، میدان، بلخ، غور را تحت سیطره خویش داشت. در این ولایات قومیت‌های مختلف افغانستان ساکن بوده و در شورای اتفاق نیز عضویت داشتند.

از ارتفاعات معروف و بلند ورس می‌توان کوه‌های «سرخ کوه»، «برادران»، «سُرب» و «بی‌ماد» را نام برد، این مناطق جزو حوزه آبریز رود هیرمند بوده و نزولات جمع شده در این مناطق پس از مصارف محلی به رودهایی که به هیرمند متصل می‌شوند، می‌ریزند. آیین‌ها و مراسم های عزاداری در ورس و مناطق اطراف آن به طور کلی به سه دسته تقسیم می‌شوند:

عزاداری محرم و صفر و سالگرد ائمه معصومین(ع)، ختم و وفیات اشخاص و مراسمات مربوط به آن، جمعه خوانی ها

### الف - محرم و صفر

عزاداری مربوط به امام حسین(ع) در ماههای محرم و اربعین در ماه صفر می‌باشد، شروع عزاداری از روز اول محرم شروع شده و تا ۱۲ و یا ۱۳ محرم ادامه می‌یابد. مراسم‌های عزاداری محرم فقط روزانه برگزار شده و در شب برگزار نمی‌گردد؛ مراسم معمولاً از ساعت ۹

<sup>۱</sup>- ولسوالی معادل فرمانداری است و زیرمجموعه‌ای به عنوان علاقه داری یا همان بخشداری نیز دارد.

<sup>۲</sup>- خانوار دفتری به مالکان مقدار خاصی از املاک اطلاق می‌شود که که دارای مقدار حاصل مشخصی است و میزان مالیات بر اساس آن اخذ می‌شود.

<sup>۳</sup>- برای اطلاعات بیشتر در مورد طوایف و بزرگان ایشان در دوران معاصر رک: پی جی میتلند، هزاره ها و هزارستان(گزارش کمیسیون سرحدی افغان و انگلیس)، ترجمه محمد اکرم گیزایی، قم: مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان، چ ۱، ۱۳۷۶ش.

۱۰- صبح آغاز شده و تا عصر ادامه می‌یابد. به نظر می‌رسد که دلیل برگزاری فقط روزانه مراسم به آن علت است که روستاها در این مناطق به صورت پراکنده هستند و روستاهای متمرکز وجود ندارد لذا رفت و برگشت به محل عزاداری در شب دیر وقت مشکل و چندان به صلاح نبوده است.

محل برگزاری مراسم عزاداری در محرم و عزای امام حسین (ع) مکانی به نام «منبر» می‌باشد؛ منابر به محل‌هایی اطلاق می‌شود که تقریباً حسینیه در ایران شبیه همان جایگاه را دارند، برخی از روستاها و محلات در مناطق مرکزی دارای مسجد نیستند اما در هر روستا و محله حتماً یک یا چند منبر، بسته به بزرگی روستا وجود دارد که مراسم‌های عزاداری و کلاسهای آموزشی فصلی در آنجا برقرار می‌شود. این منبرها همان طور که از اسمش هوی‌داست نام خود را از منبرهایی که در این محل قرار دارد، گرفته و در واقع اطلاق نام جزء بر کل است.

در مراسم عزاداری در منابر عموم مردم از زن و مرد شرکت می‌کنند و معمولاً محل حضور بانوان در منبر با چادر یا دیوار از محل مردان جداست.

در ابتدای مراسم عزاداری «دبیاچه خوانها» به خواندن اشعار خویش در عزای امام حسین (ع) می‌پردازند که گاهی به بیش از ۴ نفر می‌رسد، این افراد به ترتیب سن و مقدار تبخیر خویش به ترتیب شروع به دبیاچه خوانی می‌کنند؛ دبیاچه خوان هرچه جوان‌تر و مبتدی‌تر باشد، زودتر به دبیاچه خوانی می‌پردازد و به همین ترتیب پیشکسوت‌ها در آخر به این کار اقدام می‌کنند؛ پس از دبیاچه خوانی دبیاچه‌خوان‌ها که با گریه مردم همراه است، عالم و یا روحانی مجلس به عنوان سخنران اصلی روی منبر رفته و به سخنرانی و سپس روضه خوانی می‌پردازد، هنگامی که به اوج روضه خوانی می‌رسد، به خواندن اشعاری در وصف و زبان حال شهدای کربلا می‌پردازد که در بین مردم از جایگاه زیادی برخوردار است و طرفداران بسیاری دارد، این اشعار در روزهای بعد توسط کودکان در هنگام کار و بازی تکرار می‌شوند و بسیار بر مردم تاثیر گذار هستند، روحانی سعی فراوانی می‌کند تا این اشعار را با صدای زیبا و حزن‌انگیزی ادا کند، معمولاً مردم قدرت و تسلط روحانی را به خواندن اشعار زیبا و دلنشین توسط او می‌دانند و آخوند خوب، آخوندی است که خوب روضه می‌خواند و اشعار را به خوبی حفظ و ادا می‌کند؛ در بین مردم ضرب‌المثل‌های بدی درباره آخوندی که قدرت روضه خوانی ندارد بیان می‌شود که از ادای آن در نزد خود روحانی نیز هیچ ابایی ندارند و به راحتی آن را به زبان می‌آورند، این مسئله نشان از ذائقه خاص مردم در روضه خوانی دارد. قابل ذکر است که در این مناطق کسی به عنوان مداح که پس از آخوند به مداحی و روضه خوانی بپردازد وجود ندارد و روضه خوانی وظیفه آخوند است.

مراسم عزاداری در هفت روز اول محرم به همین منوال ادامه دارد و از روز هفتم به بعد پس از روضه خوانی آخوند، مراسم سینه زنی و زنجیر زنی نیز آغاز می‌شود؛ «برسینه» خوانده شده، شامل اشعاری با ضرب آهنگ خاص محلی می‌باشد؛ در هنگام برسی‌نه خواندن، جوانان و مردان شروع به سینه زنی و زنجیر زنی می‌کنند و کهنسالان در اطرافشان حلقه زده و گریه می‌کنند که صحنه بسیار حزن انگیز و جالبی را تداعی می‌کند؛ این صحنه در خاطر بسیاری از بینندگان برای زمان طولانی نقش خواهد بست. لازم به ذکر است که در این مناطق خبری از «قمه» و یا «زنجیر تیغ دار» و امثال آن وجود نداشته و ندارد. از طبل، سنج، شیپور و ... نیز خبری نیست، این ادوات به شدت توسط علما و روحانیون محلی تقبیح و طرد می‌شود و حتی گاهی از این اعمال که در ایران رواج دارد نام برده و مثال زده می‌شود و در پی آن حرام دانسته شده و به شدت نکوهش می‌شود.

در ایام عزاداری دو جا و دو نوع غذا طبخ می‌گردد؛ یک نوع غذا در ابتدای همان روز در «مطبخ منبر» تهیه می‌شود و غذا پس از انجام مراسم بین خانوارهای شرکت کننده در مراسم تقسیم و به خانه‌ها برده می‌شود. غذایی دیگر نیز در منزل کسی که آن روز محرم، نوبت نذر اوست، تهیه می‌گردد و در خانه وی سفره غذا پهن شده و عزاداران مرد پس از پایان مراسم به خانه او رفته و به صرف غذا می‌پردازند، در این صرف غذا زنان شرکت ندارند و فقط مردان در خانه صاحب نذر حضور یافته و به صرف غذا می‌پردازند، خانمها و کودکان از همان غذایی که پس از مراسم در منبر توزیع می‌شود و به خانه می‌برند، استفاده می‌کنند.

مراسم اربعین حسینی نیز در ماه صفر در طی ۱ تا ۳ روز بسته به مناطق و فصول مختلف انجام می‌گیرد و همانند مراسم محرم شامل دیباچه خوانی و سخنرانی و روضه خوانی است که گاهی با سینه زنی نیز همراه می‌شود و دقیقاً مانند عزاداری روزهای محرم است و تفاوتی در شکل آن وجود ندارد.

در آخر ماه صفر و وفات رسول اعظم(ص) نیز در بسیاری از مناطق مراسم عزاداری برگزار می‌شود؛ این مراسم عزاداری در یک روز و با حضور روحانی در مسجد و یا در صورت عدم وجود مسجد در منبر برگزار شده و نحوه برگزاری مراسم مانند یک روز از عزاداری محرم است و با آن تفاوتی نمی‌کند. در مورد شهادت دیگر ائمه معصومین علیهم السلام نیز مراسمی برگزار می‌شود که معمولاً توسط بانوی و با توجه به نظر او در منزل وی و ی‌ا در منبر تشکیک می‌شود؛ این گونه از مراسمها بیشتر زمانی برگزار می‌شود که یک روحانی برجسته و سطح بالا در دسترس بوده و مردم در پی بهانه‌ای برای استفاده از ایشان هستند. در این گونه از مراسمها به برگزاری مراسم سخنرانی و روضه خوانی و در پایان صرف غذای نذری بسنده می‌شود و در آن «بر سینه» خوانده نشده و به سینه زنی نمی‌پردازند.

## ب - مراسم ختم در مرگ اشخاص

بعد از فوت متوفی که اطرافیان مشغول غسل و تکفین می‌شوند، همزمان عده‌ای برای پذیری از اشتراک کنندگان در مراسم تدفین اقدام به ذبح یک یا تعدادی گاو یا گوسفند می‌کنند. گوشت حیوان ذبح شده را پس از آب‌پز کردن سرخ می‌کنند و در کنار آن مقداری نان محلی به نام «قَتْلَمَه» تهیه می‌کنند و منتظر شروع تشییع جنازه به سوی قبرستان می‌شوند. تشییع کنندگان که در منزل متوفی جمع شده‌اند، آماده تشییع شده و متوفی را برای تدفین آماده کرده‌اند، میت را برداشته و به راهی قبرستان می‌شوند؛ هنگام تشییع متوفی فقط مردان حضور می‌ابند و زنان در مراسم تشییع شرکت نکرده و در منزل متوفی باقی مانده و معمولاً برای مراسم شب در منزل متوفی به خانواده متوفی مدد می‌رسانند.

هنگام حرکت به سوی قبرستان که حمل میت همراه با اذکاری همراه است، غذای تهیه شده نیز به همراه ایشان حمل می‌گردد. پس از مراسم تدفین که توسط آخوند و روحانی و یا شخص مطلع به امور تدفین برگزار و مدیریت می‌شود، غذای آماده شده بر سر همان قبرستان و در کنار قبرستان به تشییع کنندگان داده می‌شود. مراسم ختم شب اول بسته به فصل سرما و گرما ممکن است در قبرستان و یا منزل متوفی برگزار گردد، در فصلهای گرم‌تر مراسم در قبرستان برقرار شده و معمولاً بلافاصله پس از تدفین، چادر و یا سایبانی بر سر قبر میت برپا می‌شود و مردان در آن به قرآن خوانی و خواندن نماز از جمله نماز وحشت می‌پردازند؛ این کار تا اذان صبح روز بعد ادامه یافته و پس از اقامه نماز صبح همگی به منازلشان مراجعت می‌کنند؛ در فصلهای سرد سال که هوای آزاد قبرستان قابل تحمل نباشد، این مراسم قرآن خوانی در شب اول در منزل متوفی برگزار می‌شود.

تا روز چهارم متوفی، هر شب جمعه در منزل متوفی مراسم قرآن خوانی برقرار است البته گاهی اقوام نزدیک متوفی متکفل قرآن خوانی در منزل خویش شده و در این صورت خانواده متوفی نیز به منزل ایشان رفته و در آن شرکت می‌کنند. اگر اقوام متوفی زیاده باشند ممکن است فقط تنها یک شب جمعه آن هم در شب جمعه اول پس از فوت شخص در منزلش قرآن خوانی برگزار شود و بقیه شب جمعه خوانی‌ها تا چهارم در خانه اقوام متوفی برگزار گردد.

تشریفات و پذیرایی انجام شده در این مراسم‌ها ارتباط نزدیکی با اوضاع مالی متوفی و خانواده وی دارد و بسته به آن مراسم‌ها از حضور چند نفر انگشت شمار تا تعداد زیادی تغییر می‌کند؛ هدف اصلی برگزاری مراسم، انجام حداقل یک ختم قرآن در هر مراسم است؛ چنانچه افراد کم باشند یک نفر ممکن است در مراسم ختم قرآن چند جزء قرآن را بخواند. نحوه انجام مراسم ختم برای متوفی زن یا مرد فرق چندانی ندارد و مانند هم است.

پس از فرارسیدن روز چهلّم متوفی مراسم ختمی برای وی در منبر برگزار می‌شود که با ذبح حیوانی همراه است؛ این مراسم شامل قرآن خوانی، سخنرانی و روضه خوانی است. برپا کردن سالگرد برای متوفی رسم نیست و عمومیت ندارد البته در مواردی که متوفی شخص متنفذ و دارای پایگاه اجتماعی و... باشد و یا فرزندان و خوی‌شان متوفی راغب باشند، ممکن است که برای یاد بود وی سالگرد برگزار شود. یکی از رسوم شایع در بین مردم این مناطق آنست که پس از مراسمهای ختم برگزار شده توسط خانواده متوفی، اقوام و آشنایان نزدیکی گرد هم می‌آیند و با جمع آوری کمک خرج مراسم از نظر مالی به خانواده متوفی مدد می‌رسانند؛ بسیاری دیده شده است که مقدار کمک جمع آوری شده، بی‌شتر از خرجی است که خانواده متوفی در مراسم تدفین و ختم گرفته شده، خرج کرده‌اند.

لازم به ذکر است که در بعضی از ایام سال با عنوان «عید مردگان» اطعمه‌ای به عنوان نذری و برای شادی روح درگذشتگان تهیه و توزیع می‌گردد.

### ج - جمعه خوانی

در ماهای سرد سال و زمستانها که مناطق مرکزی پوشیده از برف است، کار کم و اوقات فراغت زیاد است، منبر جنبه آموزشی پیدا می‌کند و معمولاً بزرگان و مردم محل و روستا از ملایی (آخوند) برای «طالب داری» در منبر دعوت می‌کنند. فرزندان و معمولاً پسران برای یاد گیری قرآن و ادبیات و شعر خوانی و امثال آن در منبر جمع شده و ملا به آموزش ایشان می‌پردازد، در هنگامه حضور ایشان در طی فصل سرما در منبرها، مراسم جمعه خوانی در منبر برقرار می‌شود. در هنگام مراسم جمعه خوانی زن و مرد در مراسم شرکت می‌کنند و طالبها به ترتیب به خواندن دیباچه می‌پردازند که شامل اشعاری در وصف ائمه و همچنین عزای امام حسین (ع) است، این مراسم علاوه بر عزاداری برای امام حسین (ع) و... جنبه آموزشی برای طالبها و همچنین مردم دارد، هم طالبها به تمرین روضه خوانی می‌پردازند و هم انتقال معارف به مردم صورت می‌پذیرد. البته در حاشیه این مراسم به شعر خوانی و همچنین مسابقه بین طالبها در حفظ اشعار و خواندن با صدای خوش برقرار می‌شود و مردم از این قضیه استقبال فراوانی می‌کنند؛ گاهی افراد حتی در منزل نیز فرزندانشان را بر سکویی می‌نشانند و از او می‌خواهند که به خواندن اشعار از همه گونه اعم از مرثیه، عزل و... بپردازند و به شدت آنان را مورد تشویق قرار می‌دهند. لازم به ذکر است که قریحه شعری مردم در این مراسمها به شدت شکوفا شده و بداهه‌های بسیاری در آنها خوانده می‌شود.